



ساختن تاریخ

بخش‌هایی از مقاله شاخص جان‌اتان روزنیام
در باره فیلم ویدئویی تاریخ (های) سینما اثر ژان لوک گدار
• جان‌اتان روزنیام • علی ملائکه

در سال ۱۹۹۶ ژان لوک گدار بخش‌های ابتدایی فیلم تاریخ (حقی) [Histoire(s) Du Cinema] را در جشنواره فیلم تورنتو به جانانان روزنیام، منتقد سینما نشان داد. به دنبال آن، رشته‌ای از گفت‌وگوها بین گدار و روزنیام انجام گرفت و اساس مقاله روزنیام را درباره تاریخ‌ها به وجود آورد. بررسی موشکافانه‌ای که در روسیون‌های کوناگون در مجله فرانسوی ترافیک [Trafic]، مجله انگلیسی ورتایگو [Vertigo] و مجله آمریکایی فیلم کامنت [Film Comment] چاپ شد. بعدها نوار صدای کامل تاریخ (حقی) در یک مجموعه ۵ دیسکی، به همراه نسخه ترجمه‌شده روایت گدار و مقاله روزنیام منتشر شد. در زیر فرازهایی از این مقاله مهم می‌آید:

گدار به عنوان تاریخ‌دان

جانانان روزنیام، هنگامی به نفل تاریخی می‌پردازد، این معنای شخصی و چوید دارد که چیزی به ما بپذیرد و سینه است و به نظر می‌رسد، یکی از معنای تلویحی تاریخ، همانا، به جانانان روزنیام سرماست.

ژان لوک گدار: سینمایی که ما می‌شناختیم، همین عبارت را در مورد نقاشی هم می‌سود گفت.

در تاریخ (حقی) سینما و قرن بیستم، که با اصطلاحات گدار تقریباً مترادف هستند، با دو کشور کلیدی (فرانسه و آمریکا، دو تهیه‌کننده نهادین (اروپا، تالیبرگ و هاوارد هیوز) و دو رهبر جهانی (مهرج (لشون و هرتلر) به شکل متن درمی‌آیند) و سقوطاً سرنوشت‌ساز از «دولت سینمایی (بازار فیلم) ماصت که، به ظهور فیلم ناطق انجامید و بازار فیلم‌های ناطق که ظهور ویشو را به دنبال آورد؛ دو سقوط مسلم از معصومیت جهانی (جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم) دو رسانا خیز سینمایی جهانی که در اروپا رخ داد و بر خودگانه‌های اخلاقی و زیبایی‌شناختی بقده جهان اثر گذاشت (نظورنالیسم (تاتوم و موج نو).

ژان لوک گدار: همه چیز با موج نو شروع شد. در ابتدا گسترش یافت و سپس نابود شد. به همین خاطر است که من به آن - ماری شویلی گفتیم: «در زمان آن ویژگی وضعیت، مشابه وضع فعلی ما بوده، برونج: کسانی که هیچ‌کس از آن نمی‌بیند» اما به خاطر آن‌ها در زمان نئورنالیسم رخ داد و بعد در زمان موج نو - به خاطر همه آن تئوری‌ها - توجه و «وقت بالا رفت و اکنون دوباره دارد سقوط می‌کند. همیشه همین‌طور بوده است. اندازه به نطفه از سوسن ایزود تاریخ (حقی) میسازد؛ روشن است که سینما به طریقی بهتر از فلسفه و نوشتن، توانایی تفکر را دارد، اما این امر با سرعت



زیادی به فراموشی سپرده شد. سپس ما به وضع کنونی رسیدیم. موج نو معجزه بود. موج نو نیلور آن‌چند بود که چیزی آنگی درباره‌اش نوشت.

□ □ □

گدار: تا جایی که تاریخ‌دانان استاد بیستر کار او از دهه هشتاد به بعد، بر فراموشی بی‌بازگشتی [amnesia] متمرکز بوده است. موضوعی که به موضوع در فیلم‌های تند پیر و در ۵۰ سال سینما نوشت. اهمیت پیدا می‌کند. اما مواردی وجود دارند که به نظر می‌رسد، موضوع فراموشی

درباره گدار، مانند هر کس دیگری به همان اندازه مصداق دارد. مورد تأکید: سرلوحه فیلم نداشت [Contempt] به افتخار بازن مستوب است که «در تاریخ (حقی) و در فیلم گدار در سال ۱۹۶۶ برای همیشه متواتر ظاهر می‌شود. این است: «سینما جانسین نگاه به دنیایی است که با امیال ما وفق دارد» اما هم عبارت و هم استناد آن استیاد هستند. هیچ محتامل نو این عبارت، جنبه‌ای است از منتقد فرانسوی میشل مورله که ۹ ماه پس از مرگ گدار بازن به چاپ رسید: «از آن‌جا که سینما یک نگاه است، که جانسین نگاه ما می‌سود تا جهانی را به ما عرضه کند، که با امیال ما مطابقت دارد. سینما چهره‌ها، بدن‌های باظرافت یا کمود شده اما همیشه ریبا، این جلال و سکوه یا این تفهیم را که بر شرافت ازلی مسابیتی گواهی می‌دهد. این نوا برگزیند و که ما آن را متعلق به خودمان می‌دانیم، فرافکنی نهایی رنگی به سوی خداوند را برمی‌گزیند (ترجمه از من...) مورد دیگر در تعریفی است که گذار به استیاد هاوارد هیوز را «تهیه‌کننده سینمایی کی» می‌نامد.

یعنی نقل قول‌های نادرست یا اشتباه‌های نادرست در نقد فیلم بسیار رایج است. به همین خاطر مورله در عبارات بالا ممکن است مطلبی را که از بازن شنیده یا خوانده است، به زبان دیگری بیان کرده باشد (ممکن است همین‌طور نباشد). به‌رحال نکته این است که متن اصل موضوع را



است که سما به یاد نمی‌آورد که داستان فیلم به‌داده چه بود؛ یا چرا چانت لبی به مثل بیست می‌رود، سما یک عینک یا یک زئناوور باندی را به یاد می‌آورد؛ این است چیزی که می‌آورد. اما نظر او مردم به یاد می‌آورند. اگر به یاد به یاد بیفتید، چه چیزی را به یاد می‌آورید؟ بطوری‌های سراسر سما اینگرید برگمن را به‌خاطر نمی‌آورند. هنگامی به یاد گرفتیم با ولز یا اینشتین یا من می‌افتید، اشیاء عادی را به‌خاطر نمی‌آورید. هیچ‌کاک از این لحاظ منحصر به فرد است.

جانانان روزنجام و تنها در نورتالیسم است که همان‌طوری که شما نشان می‌دهید، فقط افراد به یاد می‌مانند.

ژان لوک گدار: شما در آنجا درست وضع برعکس است. شما احساسات را به یاد می‌آورید. یا مرگه شما ما گمانی از فیلم می‌آورد یا به‌خاطر سما می‌آید. کاملاً روشن است.

جانانان روزنجام: در اپیزود 4: لحظه می‌باید می‌دانستیم است که شما تقریباً یک سکانس کامل از مرد عوسی را قرار داده‌اید، سکانس از هنری فوندا که در سلول زندان نه‌بمانست، زیرا این بخش فیلم ویدئویی، سما را به نوشته‌های ضد انتقادی‌تان در کتابه پیوند می‌دهند. برعکس به یاد ندارم که شما قطعه‌های از بی‌روزی سطح یا رادیو یا حتی دوربین در رادیو برای مرد را در فیلم گذاشته باشید.

ژان لوک گدار: نه!

هنگامی که نماهای تک‌کاری از آلن، دی پالما، اسکورسیزی یا سکانس‌هایی از سایر فیلمسازان می‌آید، این فیلم همیشه نجس یا سبیه‌سازی و اختصاص‌دهی نیست. من نمی‌دانم که دکتر کوشی انتقادی، و همین امر درباره بزرگداشت‌های تروفو و بوتولوچی و دیگران نیز صادق است، اما هنگامی که ریوت، سکانس «برج بابل» را از فیلم سرور بوش، بی‌کم و کاست در فیلم خودش باز می‌کند، من می‌دانم که این‌ها به انتقاد از پیش‌فرض‌های متفاوتی یکی شخصیت‌هایش برمی‌آید. یا هنگامی که آلن رنه، تقریباً سکانسی از نماها از فیلم گند را در دوین تاقی دلفین سیریک در فیلم خودش، من گذشته در سارین یاد تکرار می‌کند، به این ترتیب سمبول اظهار نظر انتقادی ایجاد می‌شود. فرآیند مشابهی در می‌فایس پیچیده‌تری در فیلم سنی در ژوئی به همین سواری می‌رود. رخ می‌دهد، هنگامی که ریوت، اکتشافات انتقادی در مورد حضانف کردن

نمی‌دانم و تاریخ فیلم و نقد فیلم، مما از چنین موارد ندانستی است. اما فراوانی ندانستن، تنها سردرگمی به بار می‌آورد و امتیاز نقل قول‌ها و استنادهای نادرست یا دست‌کم مسکوک در این مورد، این است که آنها سکانس از تاریخ - یا به عبارت دقیق‌تر - تاریخ(ها) را به وجود می‌آورند... آیا آن‌طور که گدار در تاریخ(ها) اصرار می‌کند، حقیقت دارد که ف.د. مورتلو و کارل فروند، جواخ نورپردازی نورنگ را در زمانی اختراع کردند که هیتلر هنوز نمی‌توانست یک لیوان آبجو در کافه‌ای در مونیخ به کسی تعارف کند؟ درست یا نادرست، این اظهار نظر بقیه‌اش سکانس از تاریخ، سما و نقد است که شی - را به نگاه ما مبدل می‌کند.

گدار به عنوان منتقد

غیر از لوک موله که هنوز به‌طور منظم نقد منتشر می‌کند و اولیویه آسایاس که به‌طور گه‌گاهی به چاپ نقد می‌پردازد، گدار مسلماً تنها منتقد جدی شده به فیلمسازی از کایه در سینما است، که هرگز اولین حرف‌اش را رها نکرد.

این وضع هم به نگرش و - به همان اندازه - به عمل مربوط می‌شود؛ این حقیقت که گدار هرگز از ادعای اولیه‌اش در شروع حرفه‌اش دست برنداشت که نقدنویسی و فیلمسازی برای او دوگونه فعالیت مشابهی هستند. بیشتر فصول اول تاریخ(ها) را صحنه‌های مناوب تأیید کردن و جرح فیلم روی میز تدوین اشغال می‌کند، صدای گدار و صدای آرام و مکتوبات، صحنه‌های دو فعالیت گدار به عنوان منتقد (در فصل بعدی در مورد نورتالیسم ایتالیا، سبک صدا منحصراً) و به شکل زیبایی - به صورت آرام و یکنواخت درمی‌آید) تداوم بین نوشتن و فیلم ساختن در موارد مختلفی در این فیلم آشکار است که در رأس همه، در نقش مهمی است که مرد عوسی فیلی که موضوع بلندترین، جدی‌ترین و مستروح‌ترین نوشته گدار در کایه در سینما بود. در اپیزود 4: که به هیچ‌کاک اختصاص دارد، ایفاء می‌کند. این قسمت فیلم نشان می‌دهد که گدار با جرح‌خشی ۳۶۰ درجه‌ای به دل‌مسغولی‌های نقدنویسی‌اش در چهل سال پیش باز می‌گردد.

ژان لوک گدار: من هیچ‌کاک را به این خاطر در فیلم قرار دادم که در طول یک دوران خاص، برای ۵ سال، او در واقع آقای جهان بوده. بیشتر از هیتلر، بیشتر از ناپلئون، او مردم را بیش از هر کس دیگر تحت تسلط درآورد. زیرا هیچ‌کاک شاعر بود، مردم تحت تسلط شاعری بودند و هیچ‌کاک، بر خلاف رابکله، شاعری در سطح جهانی بود. او تنها شاعری بود که این بحث را یافت که موفقیتی عظیم داشته باشد؛ بلکه این‌گونه بود، رمبو این‌طور نبود، و موضوع بسیار سنگین‌آور در مورد هیچ‌کاک، این



double) بر عین‌جاری هیچ‌کس را با «بصافت کردن» مخاطب فیلم خود را، به‌صفت کردن، نه‌ها و نیز حسنه‌ها بکار می‌برد. اما این سر در مورد شبیه‌سازی سانس حرکت کلسه پیچیده قلم در سانس پد شکن در قلم‌های بزرگ از آن و تحیر باید روح دی پلم با بوی از اذیت‌ها در پاداس و ما تومس در ششم باب عکس به تعید رقص اناکارنا در معروف نیز استخر در فیلم Vivre Su Vie مصداق تدرید.

چنان‌تان روزنیام: آیا موارد زیادی از شده دسترسی به تک‌های

ژان لوک گدار: اگر غیبی را ندانیم، از فیلمی دیگر استفاده می‌کردم،

چنان‌تان روزنیام: تفاوت‌های عمده مورد نظر شما بین ایزودهای

ژان لوک گدار: ایزودهای اول بیشتر به سینما توفیقی مربوطند؛
ایزودهای آخر بیشتر در پی فلسفه چستی سینما در این قرن، بیشتر
در پی آن‌ها، مشخص نیست، هستند.

تاریخ‌های سینما به عنوان روالی حقوقی و سیاسی

چنان‌تان روزنیام: روال حقوقی مهمی در طریقه کار برداری
تکه‌های فرام در تاریخ‌های سینما وجود دارد، ویدئوهای بسیار جالب
بیشتر احدا ساخته شده‌اند که از تکه‌های فیلم به شکلی انتخابی بدون
کسب حقوق سرچشمه استفاده می‌کنند، فیلم‌های مارک اوبورت، فیلم‌های
مکس ر که دادند و دادند ذاتی روزانه جن سیرگ و فیبا تام‌آند، سن
و نول بودک، هنر و سیر و سوزا بدست آوردن حقوق این تکه فیلم‌ها در
کارهای از این نوع ناممکن است، چرا که همگی آنها خارج از سیستم
ساخته می‌شوند.

ژان لوک گدار: (از نظر من تفاوتی بین برگزیده و نقل قبول وجود
ندارد، اگر شما یک برگزیده است، باید برای آن بول بپردازید، زیرا شما از
جبری سینما می‌برید که کبری برای آن نکرده‌اید و شما که و بیش از آن به
دعمت‌هایی می‌رسید، اما کار شما نقل قول است و در عین من این حالت
سلسله آشکار است، شما می‌توانید بیسید که بولی پرداخت کنید، اما این وضع
در سینما، از لحاظ حقوقی پذیرفته شده است.

چنان‌تان روزنیام: بانه به همین ترتیب از لحاظ حرفه‌ای، زیرا که

فیلم‌ها، و ویدئوها می‌تواند نقد باشند، پذیرفته شده است.

ژان لوک گدار: بانه نقد تنها چیزی است که ویدئو می‌تواند باشد و
پارسی باشد.

می‌توان این بحث را به‌طور کرد که تومس نقد نبره در سال‌های اخیر که در عادت اغلب ویراستاران روزنامه‌ها و مجله‌ها و سر در اغلب دانشگاه‌های سیم بی در آمریکای شمالی قابل مشاهده است، چندان تاسی از دیوریان سنلقة تماشاگران نیست (از جمله این ویراستاران و محافل دانشگاهی، اغلب بر آن اصرار دارند) بلکه این جمیع به نیت شرف، سوکت‌های مختلفاً بزرگ است تا هر دیوی را که با تبلیغات آنها سخاوت، نیت حذف کنند، دریم در همین زمانی که غیرمستزبان به اصلاح

«مستقل آمریکایی» که سه‌ویسه استودیوهای هالیوود را از جنبه

سازندس تبلیغ می‌سوند، به معنای فیلسازی هستند، که استقلالشان را از

دست داده‌اند، اکنون نقد قلم‌ها در جریان اصلی غمزه تا به معنای
روزنامه‌نگاری تبلیغی است، مستقل و متفقدان حیفی به بد در حاشیه کار کنند،
اگر به بحث فلسفی بپردازیم، تاریخ‌های (ساده‌اوری) خط‌ناک است،
زیرا جرأت می‌کنند که این موضوع را که سینما نقد فیس و تاریخ سینما به
ده کسی تعلق دارند، مطرح کنند، به‌طور صادقانه هدیه این‌ها امروزه به هر
کسی متعلق است که یک دستگاه ضبط ویدئو (VCR) دارد، اما به‌طور
فرزیدی، آنها متعلق به حکومت هستند و حکومت امروز سرت‌دست
است، دینی و حکومت‌های وابسته‌اش مانند صیبه سانس‌ها، سانس
برنامه‌های فرهنگی ما را مطرح ریزی می‌کنند و تاریخ‌های رسمی سینما ی
ما را می‌نویسند و از طریق رسانه‌های همگانی به نقد می‌پردازند، گدار با
نویسن تاریخ و نقد خودش روی ویدئو تا استفاده از وسایلی که به‌صداگی در
دسترس بوده و نسبت ک‌هزینه هستند، چنین را پیشنهاد می‌کنند که
فیلم‌سازان و هنرمندان ویدئو می‌توانند به گامی سودمند در جهت
تخصص‌دادن بپردازند، جنس‌ها بیش از این با ارزیابی مجدد انتقادی و
تاریخی موج بول‌غاز شد، و در تاریخ‌های (ساده‌اوری) وسایلی سایور وسائل
زیرزمینی، چون سمر و خود زندگی‌نامه ادامه یافت، با یادآوری فیلم Paris
Nous Appartient اولین فیلم راک ریخت، من شعاری را پیشنهاد می‌کنم؛
والات این (Paramount) به ما تعلق دارد.

یادداشت‌ها

۱. روزنیام به معنای لغوی «مارمولک» و «آه شرارت، فشمسوری، نارنجک» دارد. تومس است.